

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ نومبر ۲۰۲۰

## سرانجام مسلمان نمائی و اسلام پناهی!

۴

سه شنبه- ۲۰ عقرب ۱۳۹۹- کابل: ما در قسمت های قبلی این مختصر اشارتی کوتاه به علل داخلی مسلمان نمائی و اسلام پناهی نمودیم، در این قسمت تلاش می ورزیم تا عوامل مؤثر خارجی در این روند را در حد حوصله چنین یادداشتی باز نمائیم:

### ۲- عوامل خارجی:

برای درک بهتر عوامل خارجی مؤثر در پیدایش و رشد مسلمان نمائی و اسلام پناهی، نخست می باید نظری به اوضاع جهانی و منطقه ئی در ۵ دهه قبل بیندازیم.

\*- در جهان دوقطبی که یکطرفش پیمان ناتو به سرکردگی امریکا و طرف دیگرش پیمان وارسا به سرکردگی شوروی آلمان وجود داشت، و بقیه جهان عمدتاً زیر نام کشور های غیر منسلک، بین دوپیمان تجاوز کار به بندبازی و نمایشات اکروباتیک اشتغال داشتند، مسلم بود که هر دو پیمان همزمان با آن که اعضای پیمان طرف مقابل را از نظر دور نمی داشتند، با تمام قواء تلاش می ورزیدند تا هرچه بیشتر تعدادی از کشور های غیر منسلک را به دنبال خود کشیده، تجرید طرف مقابل را تسریع و کامل نمایند.

در چنین فضائیبست که در افغانستان کودتای خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷ صورت می گیرد و به تعقیب آن روسها خود وارد میدان شده، با تجاوز رهنزانه و خونبارشان، کشور را در محراق گرداب حوادث بین المللی پرتاب می نمایند.

\*- امپریالیسم امریکا و بقیه پیمان ناتو که بعد از سالها ناکامی در مقابل پیشروی دیو رقیب به تجربه دریافته بودند، که یگانه امکان جهت سد ساختن نفوذ گسترده پیمان وارسا، متهم ساختن طرف مقابل به دین زدائی و پناه بردن به دیومذهب، و دیواری از دین در مقابل نفوذ آن پیمان اعمار کردن است، ضمن آن که در تمام جهان از امریکای لاتین گرفته تا افریقا، آسیا و حتا خود اروپا و امریکا، تلاش صورت می گیرد تا با اعمار کلیسا ها، معابد، کنیسه ها و مساجد جلو نفوذ رقیب را بگیرند، در سرحدات جنوبی سوسیال امپریالیسم شوروی، با طرح "کمر بند سبز" به زعم خودشان علیه "ستاره و درفش سرخ"، می خواهند قبل از آن که دست به ماشه ببرند و جنگ گرم را آغاز نمایند از طریق ایجاد این کمر بند سبز، نخست مانع نفوذ طرف مقابل بگردند و در دوام، با ترغیب و تشدید عقیمانده ترین گرایشات مذهبی، نفوذشان را در درون اردوگاه رقیب مسلم بسازند.

\* در چنین شرایطی که کشور عزیز ما افغانستان که در طول تاریخ خود تحمل عقیدتی را به مثابه گوهر تابناکی در درون خود پرورده بود و به گفته استاد "موسوی" از هزاران سال بدین سو، تحمل عقیدتی به مثابه ارزشمندترین ویژگی باعث شده بود تا معابد شیوانی در کنار بتکده های بودائی و در کنار آتشکده های زردشتی به صورت مسالمت آمیز زندگانی نمایند و استوپه های باقیمانده در تمام مراکز و بقایای عبادات تاریخی کشور گواه این همزیستی مسالمت آمیز بین عقاید و ادیان مختلف کشور ثبوت ادعای ماست و بر همین مبنا ضرب المثل هائی مانند "عیسی به دین خود موسی به دین خود"، "بز از پای خود آویزان است گوسفند از پای خود" در جامعه ممثل تحمل عقاید مختلف بود، به یک باره در زیر بمباردمان و سیل کتاب های "قصه خوانی پاکستان" و "حجتیه ایران" قرار گرفته، گذشته از این که فراگیری دروس مذهبی، به نردبان ترقی افراد میدل گردید، مسلمان نمائی و اسلام پناهی نیز قرب و منزلت یافته، باعث گردید تا هر نوع پیوندی به دین و مذهب و هر نوع فعالیتی در آن زمینه از جانب دستگاه های استخباراتی امپریالیسم امریکا و بقیه کشور های پیمان ناتو بی مزد باقی نمانده، شبه مارکسیست های کشور ما را نیز به خواندن "قل هو الله" کشانیده، انحطاط تربیتی را تاجائی کشانیدند که در داخل و خارج کشور، کودکان زیر ۴ سال را وادار می ساختند تا جهت مسلمان نمائی والدین، یکی دو سوره قرآن را حفظ نمایند.

\*- این وضع فلاکت بار تنها به "کمر بند سبز" امپریالیسم محدود نمانده، در دو کشور همسایه ما ایران و پاکستان، در یکی خمینی شمشیر را از روبرسته، باسرفت انقلاب اجتماعی مردم ایران که ماهیتاً ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بود و تحریف آن به یک ترم ارتجاعی "انقلاب اسلامی" همزمان با آن که در داخل ایران، چرخ تاریخ را به عقب برگردانده با پر روئی و لگام گسیختگی قیاس ناپذیری مهر ابطال را بر تمام آنچه اسلامی نیست زد بلکه ده ها هزار از مردم خود را که نمی خواستند اصلاح ریش و یا موی سر شان را در اختیار قیچی آخذ بگذارند، بی محابا سربریده، چنان فضائی را به وجود آورد که مردم بقای شان را در اسلام پناهی ببینند، بلکه در افغانستان نیز با پرورش نهاد ها و تشکلات مافیائی، جواز ادامه حیات را فقط به کسانی اعطاء نمود، که بیشتر از دیگران "قل هو الله" و "استغفرالله" به زبان می رانند؛ در آن سمت دیگر "ضیاء الحق" نوکر سر سیرده صهیونیسم که در جریان وقایع سپتمبر سیاه با قتل عام ۱۵ هزار فلسطینی اخلاص و وابستگی مطلقش را به امپریالیسم و صهیونیسم به اثبات رسانیده بود، جهت رهائی از زیر فشار حزب مردم و شخصیت کارازماتیک آن "ذولفقار علی بوتهو" و در تطابق با علت وجودی پاکستان یعنی اسلام و اسلام خواهی، تلاش نمود تا از طریق "مسلمان ساختن مجدد مردم افغانستان" هم پایه های مستحکمی جهت علت وجودی پاکستان پی ریزی نماید و هم از آن طریق میلیارد ها دالر از کشور های عربی به خصوص خلیج فارس و عربستان سعودی نیز به دست بیاورد.

\* - نتیجتاً در اثر فعل و انفعالات داخلی، منطقه ئی و بین المللی، که همه و بدون استثناء در جهت به قهقراء کشانیدن مردم کشور ما بود، می بینیم که همزمان با سقوط نوکران روس، شرایط برای پیروزی "جهادپست" ها مساعد می گردد و آنها این فرصت را می یابند تا ساختار فکری مردم را مطابق خواست خودشان و منافع استعمار شکل دهند.

ادامه دارد.